

Unit 27 book 5

سازگار کردن

سازگاری به معنای تغییر برای مقابله با یک وضعیت جدید یا اضافات است. وقتی او به شهر جدید رفت ، مجبور شد خود را با تمام تغییرات آب و هوا سازگار کند.

بیولوژیکی

بیولوژیکی روند زندگی و موجودات زنده را توصیف می کند. در علم ، ما با روند بیولوژیکی رشد باکتری آشنا شدیم.

سلولی

وقتی چیزی سلولی باشد ، مربوط به سلول های حیوانات یا گیاهان است. وی برای مشاهده فعالیت در سطح سلولی از میکروسکوپ استفاده کرد.

پویا

وقتی افراد پویا هستند ، سرزنده و دارای ایده های خلاقانه هستند. کارمند جدید و پویا راهی خوب برای جابجایی بار کار خود ارائه داد.

خیالی

خیال ، وضعیت مطبوعی است که مردم درباره آن فکر می کنند اما بعید به نظر می رسد. فضاورد شدن خیالی است که بسیاری از کودکان به اشتراک می گذارند.

وراثت

وراثت فرایند انتقال ویژگی ها از والدین به فرزندان است. چهره پسر به دلیل وراثت شبیه پدرش است.

درونی؛ داخلی

وقتی چیزی درونی است ، در درون یک شخص ، شی یا مکان وجود دارد یا اتفاق می افتد. ما برای بیرون آمدن سیمهای داخلی کامپیوتر قاب خارجی را جدا کردیم.

حداقل

وقتی چیزی حداقل باشد ، بسیار کوچک است. شوهر تنبل من در خانه کمترین کار را انجام می دهد.

پیشگام

پیشگام شخصی است که اولین کسی است که می تواند چیزی را کشف کند یا درگیر آن شود. او پیشگام برنامه نویسی رایانه بود.

تجویز کردن

تجویز دارو به معنای گفتن کسی است که آن را مصرف کند. وقتی بیمار بودم ، دکتر داروی آنفولانزا برای من تجویز کرد.

نسبی

وقتی چیزهایی نسبی است آنها، به طور جداگانه به هر شخصی که گفته شد مربوط می شود.

به بوکسورها گفته شد که به گوشه های مربوطه خود بازگردند.

احیا

احیای کسی یا چیزی به معنای بازگرداندن سلامتی یا زندگی به او است.

او با مالش نرم آن احساس گرما را در پایش زنده کرد.

سفت و سخت

وقتی قوانین یا سیستم ها سفت و سخت هستند ، بسیار جدی هستند زیرا نمی توان آنها را تغییر داد.

جوامع غالباً قوانینی سختگیرانه در مورد نحوه رفتار مردم دارند.

توالی

سکانس تعدادی رویداد یا چیز است که یکی پس از دیگری رخ می دهد.

دومینو ها در سکانس یکی پس از دیگری سقوط کردند.

جایگزین

جایگزینی چیزی یا کسی به معنای این است که او جای دیگری را بگیرد.

وقتی آب من تمام شد ، مجبور شدم آب را جایگزین کنم تا صبح بنوشم.

جراح

جراح پزشکی است که برای انجام جراحی آموزش دیده است.

جراح قلب پیرمرد را جراحی کرد.

درمان

درمان ، درمانی برای بیماری یا بیماری جسمی یا روانی خاصی است.

بعد از اینکه پاهایش شکست ، از فیزیوتراپی برای یادگیری نحوه راه رفتن دوباره استفاده کرد.

منتقل کردن

انتقال چیزی به معنای انتقال آن از یک مکان به مکان دیگر است.

خانواده مواد غذایی را از سبد خرید به ماشین منتقل کردند.

تبدیل

تبدیل فرآیندی است که در آن تغییر از یک شکل به شکل دیگر وجود دارد.

در تبدیل از تابستان به پاییز هوا سردتر می شود.

پیوند

پیوند عملیاتی است که در آن قسمت آسیب دیده بدن فرد جایگزین می شود.

کودک بیمار برای زندگی نیاز به پیوند قلب داشت.

اولین پیوند اعضا

در سال 1954 ، شخصی به نام ریچارد در حال مرگ بود. او برای مدت طولانی زنده نمی ماند مگر اینکه بلافاصله کلیه جدیدی بدست آورد. برادر دوقلوی ریچارد ، رابرت ، مایل بود یکی از کلیه های خود را به برادر در حال مرگ خود اهدا کند. با این حال ، در آن زمان ، هیچ پزشکی پیوند عضوی داخلی را با موفقیت انجام نداده بود. ایده بیرون آوردن عضوی از یک شخص و قرار دادن آن در شخص دیگر فقط یک خیال بود. اما برادران تصمیم گرفتند شجاع باشند و پزشکی پیدا کردند که بتواند پیوند اعضا را به واقعیت تبدیل کند.

از آنجا که ریچارد و رابرت دوقلو بودند ، وراثت آنها یکسان بود. آنها صفات بیولوژیکی دقیقاً یکسانی داشتند. حتی کلیه های آنها از نظر سلولی یکسان بود. بنابراین ، کلیه در حال کار رابرت می تواند جایگزین یکی از موارد بد ریچارد شود. اگر عمل به درستی انجام شود ، بدن ریچارد می تواند با اندام جدید سازگار شود.

این دوقلوها نزد دکتر موری رفتند که پیشگام روشهای جراحی جدید بود. تیم جراحی پویای وی پیوند را انجام دادند. دکتر موری مطمئن شد که جراحان او یک سلسله دستورالعمل ها را دنبال می کنند تا اشتباهی صورت نگیرد. ابتدا ، آنها برش جزئی را در کنار ریچارد ایجاد کردند و کلیه را برداشتند. سپس ، آنها یک برش کوچک دیگر در پهلوی رابرت ایجاد کردند ، کلیه او را خارج کردند و آن را به بدن ریچارد منتقل کردند. سرانجام ، آنها برش های مربوطه را دوختند. کل عملیات فقط حدود یک ساعت طول کشید.

بعد از جراحی مشخص شد که حال هر دو برادر خوب است. این عملیات با موفقیت تایید شد. کلیه جدید ریچارد عالی کار کرد! پزشکان برای درد ناشی از جراحی دارو تجویز کردند. از آنجا که ریچارد هنوز ضعیف بود ، برای احیای قدرت خود از فیزیوتراپی استفاده کرد. سرانجام ، تبدیل ریچارد به یک فرد سالم و شاد کامل شد.

دکتر موری در دنیای پزشکی قهرمان شد. موفقیت وی به پزشکان دیگر اطمینان داد که پیوند اعضا را خودشان امتحان کنند. اکنون ، پزشکان هر روز پیوندها و جراحی های نجات دهنده زندگی را انجام می دهند.